

بررسی ملاقات با امام زمان علیه السلام در عصر غیبت کبری (با عنایت بر آخرین توقیع امام زمان علیه السلام)

لیلا مرادی^۱

چکیده

از نظر سندی و دلالتی مناقشاتی از بزرگان - در توقیعی که امام زمان علیه السلام به آخرین نایب خود نوشته‌اند - وارد شده که در پاسخگویی به این نتیجه رسیدیم که این روایت از نظر سندی و دلالتی، معتبر و وقوع مرگ سمری در زمان تعیین شده از معجزات امام زمان علیه السلام محسوب می‌شود و از نظر امامیه، این خود دلیل قاطعی است که این توقیع از سوی حضرت حجت علیه السلام صادر شده است. و تعدد نقل در کتاب‌های بزرگان مذهب از قدما و متأخران و معاصران، بدون اشاره به ضعف و رد آن را می‌توان یکی از شواهد - نه دلایل - اعتبار قرار داد. در مراد ادعای مشاهده در این توقیع چند احتمال وجود دارد: اول اینکه: ادعای دیدار با نیابت از آن حضرت و آوردن اخبار و دستورهایی از جانب ایشان است، دوم اینکه: فرد مدعی مشاهده، شاهد و دلیلی بر این ملاقات نداشته باشد، از آنجا که این دو نوع دیدار، زمینه را برای دکان‌های مدعیان دروغین باز می‌کند در توقیع، رد شده و مدعیان آن کذاب و افترا زننده به حضرت معرفی شده‌اند، سوم اینکه: فرد در صورت ملاقات و شناخت حضرت پرده از راز دیدار خود برنخواهد داشت و یا با ملاقات، حضرت را نمی‌شناسد که ادعای دیدار با حضرت را نماید. در این دو صورت که امکان دیدار حضرت وجود دارد، زمینه برای مدعیان دروغین باز نمی‌شود. از این رو این دیدارها با این توقیع منافاتی ندارد. نگارنده بر آن است به بررسی این امر که اگر ملاقات امام مهدی علیه السلام در عصر غیبت ممکن است با متن آخرین توقیع امام زمان علیه السلام چگونه قابل جمع است و با متن این توقیع چگونه ادعای مدعیان دروغین باطل می‌شود بپردازد. این مقاله به روش کتابخانه‌ای نوشته شده است.

واژگان کلیدی: ملاقات، امام زمان علیه السلام، غیبت کبری، توقیع.

مقدمه

از آنجا که مسئله مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه له و قیام و انقلاب جهانی او و اینکه او پس از ظهور، سراسر جهان را پر از عدل و داد می‌کند چنان که پر از ظلم و جور شده است بارها از زبان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله امام علی علیه السلام و همه امامان علیهم السلام نقل گردیده است، این امر سبب شده که این موضوع مورد توجه واقع شود و زمینه سوء استفاده از نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له و مباحث مهدویت را از اول قرن هجری فراهم آورد، به گونه‌ای که عده‌ای خود را مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه له دانسته یا آنکه جمعیتی به مهدی موعود بودن شخصی - با اینکه آن شخص چنین ادعایی نداشت - اعتقاد یافتند. و این سوء استفاده‌ها در دوره خلافت عباسی به اوج خود می‌رسد.^۱

با توجه به اینکه مباحث مهدویت دارای جاذبه‌های سیاسی، فرهنگی، معنوی و اجتماعی است و مباحث مهدویت به برکت انقلاب اسلامی در ایران گسترش یافته و توجه مسلمانان به مباحث ویژگی یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه له، زمینه‌سازی ظهور، انتظار فرج و... بیشتر شده این امر سبب گردیده که مدعیان جدید با ترفندهای ویژه بروز نمایند و با استفاده از فضای مجازی و فن‌آوری‌های روز، به تحریک عواطف و احساسات عمومی بپردازند. و اولین اقدام مدعیان دروغین، ادعای باییت امام زمان عجل الله تعالی فرجه له و بعد ادعای مهدی بودن است، لذا بر آن شدیم با عنایت به آخرین توقیع امام زمان که به آخرین نایب خود نوشتند که هر کس قبل از صیحه آسمانی و خروج سفیانی، ادعای دیدن مرا کند دروغگو است. به این پرسش پاسخ دهیم که آیا امکان دیدار امام زمان عجل الله تعالی فرجه له در عصر غیبت ممکن است تا ادعای باییت شکل بگیرد و اگر امکان دارد، چگونه با این توقیع جمع می‌شود و با بیان نحوه ملاقات‌ها چگونه می‌توان جلوی دکان‌های مدعیان دروغین را گرفت. به نظر نگارنده با توجه به پاسخ‌های داده شده در این زمینه، برخی مباحث به شفاف‌سازی نیاز داشته و برخی احتمالات به کامل شدن مطلب نیاز دارند تا پاسخ کامل به این سؤال داده شود.

برای آنکه بتوان به درستی در این باره گفت‌وگو کرد و به قضاوت نشست، ابتدا لازم است متن توقیع شریف را ذکر کرد، آن گاه به بررسی سندی و دلالتی آن پرداخت و بعد از آن متن توقیع را بررسی کرده تا به توان پاسخ مناسبی در مورد این سؤال داد.

۱. میر تبار، آسیب شناسی جامعه منتظر، ص ۱۰۱-۱۰۲، با تصرف.

توقیع

حدیثی که بحث «مشاهده و دروغگو بودن مدعی مشاهده» را مطرح می‌کند، آخرین توقیع و نامه‌ای است که امام زمان علیه السلام به آخرین نایب خاص خود، چند روز پیش از مرگ او نوشته است. چنانچه از شیخ صدوق در *کمال‌الدین* و شیخ طوسی در کتاب *غیبت* و شیخ طبرسی در *احتجاج* روایت شده است که چون شیخ ابوالحسن علی بن محمد سمری را وفات در رسید توقیعی بیرون آورد و به مردم نشان داد که نسخه آن بدین مضمون بود: «.....وَسَيَأْتِي مِّنْ شِيعَتِي مَن يَدَّعِي الْمُشَاهَدَةَ، أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمُشَاهَدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السَّفِيَانِي وَالصَّيْحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُّقْتَرٍ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»^۱.

حاصل فرمان آن بزرگوار در این توقیع شریف آنکه: ای علی بن محمد سمری! خداوند برادران دینی تو را در مصیبت تو اجر عظیم کرامت فرماید، به درستی که در اثنا این شش‌یوم وفات خواهی نمود پس جمع نما امر خود را و در کار خود آماده باش و به احدی وصیت نیابت ننما که قائم مقام تو شود بعد از وفات تو، به درستی که غیبت تامه^۲ واقع گردید و مرا ظهوری نخواهد بود مگر به اذن خدای تعالی و این ظهور، بعد از این است که زمان غیبت طول بکشد و دل‌ها را قساوت فرا گیرد تا پر شود زمین از جور و ستم و زود است که می‌آیند کسانی از شیعیان من که دعوی مشاهده مرا می‌نمایند، آگاه باشید که هر کس پیش از خروج سفیانی و رسیدن صحیحه آسمانی دعوی مشاهده نماید، پس او کذاب و افترا زننده است.^۳

آن‌گاه آخرین سفیر حضرت بقیه الله علیه السلام طبق وعده آن حضرت، در روز ششم از صدور توقیع شریف، دیده از جهان فرو بست و با رحلت او غیبت صغری پایان یافت و غیبت کبری آغاز گردید. تعیین روز وفات سمری طی نامه شریف، و قرائت آن در حضور جمع کثیری از شیعیان، به طور حتم و جزم اثبات می‌کند که آن نامه مبارکه به دست خط شریف حضرت بقیه الله علیه السلام

۱. طبرسی، *الاحتجاج*، ج ۲، ص ۴۷۷؛ *قطب‌الدین، الخرائج والجرائح*، ج ۳، ص ۱۱۲۸؛ طوسی، *الغیبه*، ص ۳۹۵؛ قمی، *کمال‌الدین و تمام‌النعمة*، ج ۲، ص ۵۱۶؛ اربلی، *کشف‌الغمة فی معرفة الائمه*، ج ۲، ص ۵۳۸؛ بهاء‌الدین نبلی، *منتخب الأنوار المضية فی ذکر القائم الحجة* علیه السلام، ص ۲۳۸.

۲. *منتهی الآمال*، ج ۱ و ۲، ص ۶۰۶ *الغیبه التامة* را غیبت کبری ترجمه کرده است. ص ۶۸۴ ترجمه کتاب غیبت طوسی مترجم مجتبی عزیزی نیز این واژه *الغیبه التامة* به غیبت کبری ترجمه شده است.

۳. قمی، *منتهی الآمال*، ج ۴، ص ۵۸۷.

بوده است، که خواسته‌اند در آستانه غیبت کبری معجزه‌ای دیگر از خود نشان داده، بر قوت ایمان و اخلاص شیعیان بیفزایند. تا با گام‌هایی استوار به استقبال غیبت کبری بشتابند.^۱

و نیز از شیخ صدوق در کتاب *کمال الدین* نقل شده که وفات علی بن محمد سمري در سال ۳۲۹ هجری بوده است و بنابراین مدت غیبت صغری که سفرا و وکلا و نواب مخصوص حضرت حجه الله عجل الله تعالی فرجه که از جانب او مأمور به سفارت و نیابت بودند، قریب به ۷۴ سال خواهد بود که قریب به ۴۸ سال ایام سفارت عثمان بن سعید عمری و پسر او محمد بن عثمان بود. و قریب ۲۶ سال مدت سفارت شیخ ابوالقاسم حسین بن روح و شیخ ابوالحسن علی بن محمد سمري بود، و بعد از گذشتن این مدت سفارت منقطع شد و غیبت کبری واقع گردید.^۲

مباحث دریافتی این توقیع

در بررسی این توقیع می‌توان به نکاتی دست یافت که عبارت است از:

۱. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه شش روز قبل از درگذشت «ابوالحسن علی بن محمد سمري» رحلت او را در این توقیع اطلاع داد، و در روز موعود، مرگ وی فرا رسید. این پیشگویی، و سپس تحقق آن در روز موعود، از نظر امامیه دلیل قاطعی است که این توقیع از سوی حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه صادر شده بود. در این توقیع، زمان پایان «غیبت صغری» و آغاز «غیبت کبری» بیان شده است.^۳
۲. نیابت خاصی که با عثمان سعید آغاز شده بود، با رحلت سمري به پایان رسید (و لا تُوصِ أَلَى أَحَدٍ فَيَقُومَ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَانِكَ).
۳. غیبتی که در دوران پیش به دلایلی ناقص بود و اینک تمام و کامل شده است (فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ التَّامَةُ).^۴
۴. ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه به اذن خداست و بر ما معلوم نیست که در چه تاریخی ظاهر خواهد شد.^۵
۵. مدعیان مشاهده، در این دوره وجود خواهند داشت. (سَيَأْتِي شِيعَتِي مَنِ يَدْعِي الْمَشَاهِدَةَ).

۱. سلیمان، روزگار رهایی، ج ۱، ص ۳۰۴.

۲. قمی، منتهی الآمال، ج ۴، ص ۵۸۷.

۳. آقایی، جباری، عاشوری، حکیم، درنامه تاریخ عصر غیبت، ص ۱۹۰.

۴. سلیمان، درنامه مهدویت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و دوران غیبت، ج ۲، ص ۱۱۹.

۵. آقایی، جباری، عاشوری، حکیم، درنامه تاریخ عصر غیبت، ص ۱۹۱.

۶. مدعی مشاهده، پیش از خروج سفیانی و ندا (دو علامت حتمی ظهور) هم دروغگو و هم افترا زنده است (أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَ الصَّيْحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٍ) امام علیه السلام در این نامه دو صفت ناپسند دروغگو بودن و تهمت زدن، (دادن نسبتی به حضرت) را به مدعی مشاهده وارد کرده است.^۱

بررسی سند

برخی بزرگان، اشکالاتی به توقیع وارد ساخته، نوشته‌اند:

«این خبر، ضعیف و غیر آن خبر واحد است که جز ظنی از آن حاصل نشود و مورث جزم و یقین نباشد، پس قابلیت ندارد که معارضه کند با وجدان قطعی که از مجموع آن قصص و حکایت پیدا می‌شود. هر چند از هر یک آنها پیدا نشود، بلکه از جمله‌ای از آنها دارا بود کرامات و خارق عاداتی را که ممکن نباشد صدور آنها از غیر آن جناب؛^۲ پس چگونه رواست اعراض از آنها به جهت وجود خبر ضعیفی که ناقل آن شیخ طوسی است، عمل نکرده به آن در همان کتاب».^۳

در مجموع، بر توقیع، چهار اشکال از نظر سندی وارد است:

۱. توقیع، خبر واحد و غیر قابل اعتماد است؛

۲. خبر، مرسل و ضعیف است؛

۳. شیخ طوسی که توقیع را نقل کرده به آن عمل نکرده است؛

۴. توقیع، معرض عنه است، چرا که اصحاب، حکایات زیادی نقل کرده‌اند که اشخاص با امام زمان علیه السلام دیدار داشته‌اند.

در پاسخ به اشکال‌های پیشین، گفته شده است:

۱. توقیع مرسل نیست، چرا که شیخ صدوق در *کمال الدین* آن را با سند ذکر کرده است. افزون بر آن، شیخ طوسی این حدیث را از ابن بابویه نقل می‌کند و می‌گوید: «اخبارنا جماعه» پس

۱. جمعی از محققان مرکز تخصصی مهدویت، *آفتاب مهر*، ج ۴، ص ۱۴۶.

۲. رک. *منتهی الآمال*، ج ۴، شیخ عباس قمی در ذکر حکایات و قصص آنان که در غیبت کبری به خدمت امام زمان علیه السلام رسیده‌اند فصل پنجم ص ۴۶۰ تا ص ۵۳۲.

۳. نوری طبرسی، *نجم الثاقب در احوال امام غایب علیه السلام*، ج ۲، ص ۸۵۱.

توقیع از یک طریق نیست، بلکه از طرقی گوناگون آن را نقل می‌کند. سرانجام آن که، اگر در کتاب/احتجاج طبرسی به صورت مرسل ذکر شده است، وی در ابتدای کتاب خود می‌گوید: «سند روایات را نیاورده‌ام یا به سبب شهرت یا مطابقت با عقول یا اینکه مجمع علیه است».

۲. توقیع ضعیف نیست؛ چرا که همه راویان آن، ثقة هستند و خبر واحد ثقة است که حجیت آن در اصول ثابت شده است و می‌توان به آن اعتماد کرد.

از نقل‌های متعدد استفاده می‌شود که به این حدیث، توجه و اعتنا شده است، گرچه منظور ما، شهرت اصطلاحی نیست. این تعدد نقل در کتاب‌های بزرگان مذهب از قدما و متأخران و معاصران^۱ را می‌توان بدون اشاره به ضعف و رد آن یکی از شواهد - نه دلایل - اعتبار قرار داد.^۲ اینکه گفته شده است: «راوی، آن شیخ طوسی، به توقیع عمل نکرده است»، درست نیست؛ آن چرا که شیخ طوسی نقل کرده است، به دوران غیبت صغری مربوط می‌شود و توقیع، نفی ادعای دیدن در دوران غیبت کبری را مورد نظر دارد و مدعی دیدار در این را باید تکذیب کرد.

۳. اینکه گفته‌اند: «از توقیع اعراض شده است» درست نیست؛ زیرا عالمان بزرگوار ما که پس از شیخ صدوق، به نقل توقیع پرداخته‌اند، به آن باور داشته و در سند و دلالت آن، تردیدی نکرده‌اند.

افزون بر آن، اینکه هنگامی اعراض اصحاب از توقیع اثبات می‌شود که همه ناقلان حدیث یاد شده، ادعای ملاقات را باور داشته باشند و چون چنین چیزی - نه به دلالت مطابقتی و نه التزامی - از کلام آنها قابل برداشت نیست و بلکه در مواردی بر خلاف آن است، نمی‌توان گفت به طور کلی از آن اعراض کرده‌اند. افزون بر آن، اعراض برخی سبب ضعف حدیث نمی‌شود.^۳

بررسی دلالی

از نظر دلالت با عنایت به اینکه علی بن محمد سمری، نیابت خاص از آن حضرت داشت (و در این زمینه نیز بارز و شناخته شده بود)، مقصود از «ادعای مشاهده»، در این روایت، مطلق مشاهده [دیدار] آن حضرت نیست، بلکه همان طور که علامه مجلسی نیز احتمال داده است،

۱. رک: روزگار رهایی (کامل سلیمان) ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۰۴؛ منتهی الآمال (عباس قمی)، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۵۸۷ و ۵۸۶.

۲. طیبی، سفارت و نیابت خاصه، شماره ۱۸، ص ۱۴۲.

۳. سلیمیان، درسنامه مهدویت حضرت مهدی (عج) و دوران غیبت، ج ۲، ص ۱۱۷، ۱۱۸.

مراد ادعای دیدار همراه با نیابت از آن حضرت و آوردن اخبار و دستورها از جانب ایشان، مانند سایر نمایندگان آن حضرت در عصر غیبت صغری است.^۱

این توقیع، اعلام پایان یافتن «غیبت صغری» و شروع «غیبت کبری» است که در آن به جناب علی بن محمد سمیری (ره) امر شده است که به احدی وصیت نکند که بعد از او قائم مقام او و نایب خاص باشد.^۲ و نیز اعلام صریح بطلان ادعای افرادی است که در غیبت کبری، ادعای نیابت و سفارت خاصه و وساطت بین امام علیه السلام و مردم می نمایند. پس مراد از اینکه «مدعی مشاهده» کذاب و مفتری است، ممکن است کسانی باشند که ادعای نیابت کنند و بخواهند با دعوی مشاهده و شرفیابی، خود را واسطه بین امام و مردم معرفی کنند. امام علیه السلام خواست این باب را مسدود کند و به مردم خبر دهد که هر کس ادعای دیدار مرا بکند و بگوید من وکیل یا نایب خاص آن حضرت هستم، دروغگو است و او را تکذیب کنند.^۳

زیرا نیابت خاص یعنی حضور نزد حضرت، همراه شناخت آن بزرگوار و رساندن سؤالات مردم و ابلاغ پاسخها و پیامها. این فرد، هم ادعای دیدار دارد و هم آنچه می گوید را از جانب حضرت بیان می کند و حرفها را پیام حضرت اعلام می کند.^۴

اما به نظر می آید این احتمال که منظور امام زمان علیه السلام در این توقیع، تکذیب کردن نایبان خاص باشد، خلاف ظاهر عبارت حضرت در توقیع شریف است؛ زیرا در آن صورت، امام باید می فرمود: «ألا فمن ادعی المشاهدة مع السفارة أو الوكالة فهو كذاب؛ در حالی که به صورت مطلق می گوید: «هر کس ادعای مشاهده کند، دروغگو است».^۵

دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه در این باره این گونه است:

روش گرامر انسانی و مطالعات فلسفی
رتال جامع علوم انسانی

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۲۵ و ۳۱۸.
۲. و چون وفات سمیری فرا رسید از وی درخواست کردند که وصیت کند و او گفت: «لله أمره وبالغه» غیبت تامه همان است که پس از درگذشت سمیری واقع می شود. (صدوق، ؟؟؟، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۵۹).
۳. کارگر، پرسشها و پاسخهای دانشجویان، مهدویت پس از ظهور، ص ۹۸ - ۹۷.
۴. جمعی از محققان مرکز تخصصی مهدویت، آفتاب مهر، ج ۴، ص ۱۴۷.
۵. سلیمیان، درسنامه مهدویت حضرت مهدی علیه السلام و دوران غیبت، ج ۲، ص ۱۱۹.

مراد از تکذیب مدعی مشاهده این است که فردی، مدعی ملاقات باشد، ولی شاهد و دلیلی نداشته باشد.^۱

شهید صدر می‌گوید:

مراد، ادعای انحرافی است که شخصی با ادعای مشاهده و ارتباط، بخواهد عقاید و نظر خود را با نام پیام‌های امام زمان عجل الله تعالی فرجه به مردم القا کند.^۲

برای در نظر گرفتن یک احتمال دیگر اینجا لازم است به برخی سخنان بزرگان اشاره کنیم که در آن، ضمن پذیرش امکان ملاقات، گفته‌اند در صورت ملاقات، فرد ملاقات‌کننده پرده از راز دیدار خود برنخواهد داشت و این همان تکذیب ادعای ملاقات است.^۳

سید مرتضی بی‌آنکه قاطعانه ملاقات با حضرت را بپذیرد، عدم امکان ملاقات را غیرقطعی دانسته، می‌نویسد: «إنا غیر قاطعین علی ان امام لا یصل الیه احد و لا یلقاه بشر فهذا امر غیر معلوم و لا سبیل الی القطع علیه...»^۴ ما قطع نداریم دست کسی به امام نمی‌رسد و بشر نمی‌تواند او را ملاقات کند. این، امری غیرمعلوم است که راهی بر قطع آن نیست.»

سید مرتضی در گفتار خود فقط استبعاد عدم امکان ملاقات را کرده و این به معنای پذیرش ادعای ملاقات نیست، چرا که او، دست‌کم، ادعای ملاقات را قبول داشته، به طور حتم برآن تأکید می‌کرد.^۵

شیخ طوسی در بیان خود دیدن آن حضرت را ممکن می‌داند، اما درباره ادعای وقوع ملاقات، به نظر می‌رسد، آن را منتفی می‌داند. «إنا أولاً لا نقطع علی استتاره عن جمیع أولیائه؛ بل یجوز أن لأکثرهم و لا یعلم کل إنسان إلا حال نفسه؛^۶ أولاً ما با جزم و یقین نمی‌دانیم آن حضرت از دیده همه دوستدارانش نهان و غایب است، بلکه امکان دارد برای بیشتر آنان مستتر شود و هر فرد، فقط از حالات خود خبر دارد.»

۱. موسوی خمینی، أنوار الهدایة فی التعلیقة علی الکفایة، ج ۱، ص ۲۵۶.

۲. صدر، المهدی، ص ۱۸۳.

۳. سلیمیان، درسنامه مهدویت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و دوران غیبت، ج ۲، ص ۱۱۹.

۴. مرتضی، تنزیه الانبیاء، ج ۱، ص ۲۳۵.

۵. سلیمیان، درسنامه مهدویت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و دوران غیبت، ج ۲، ص ۱۲۰.

۶. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۹۹.

سید بن طاووس در زمینه امکان ملاقات حضرت در غیبت کبری چنین می‌گویند:

«وَ إِذَا كَانَ غَيْرَ ظَاهِرِ الْآنَ لِجَمِيعِ شِيعَتِهِ فَلَا يَمْتَنِعُ أَنْ يَكُونَ جَمَاعَةً مِنْهُمْ يَلْقَوْنَهُ وَ يَنْفَعُونَ بِمَقَالِهِ وَ فَعَالِهِ وَ يَكْتُمُونَهُ...».

پس اگر امروز از نظر نوع شیعیان و دوستانش غائب است منافات ندارد که عده‌ای از آنها حضرت را زیارت کنند و از گفتار و کردارش بهره‌مند شوند و در عین حال از مردم پوشیده دارند، چنان‌که این معنا درباره برخی پیامبران و اوصیا و اولیای حق، جریان داشته که مصالح دینی ایجاب می‌نمود که آنها مدتی غایب گردند.^۱

محقق اربلی نیز پس از نقل کلامی از مرحوم طبرسی که گفته است: ما قطع نداریم کسی در دوران غیبت به امام نمی‌رسد؛ اظهار شگفتی کرده نوشته است: مرحوم طبرسی چرا چنین گفته است؟ در حالی که باید قطع به این داشته باشد، چرا که با فاصله اندکی پیش از این، او توقیع نفی ملاقات را (فمن ادعی المشاهده) را ذکر کرده بود.

محقق اربلی آن گاه دیدگاه خود را در توجیه سخن مرحوم طبرسی، این‌گونه بیان کرده است: حتماً او نظر به این نکته داشته است که افرادی که احیاناً به دیدار نایل می‌شوند، هرگز آن دیدار را افشا نخواهند کرد و افرادی که به چنین ادعایی دست می‌زنند، دروغگویند.^۲

چگونگی عدم منافات امکان دیدار حضرت در عصر غیبت کبری با آخرین توقیع

براساس آخرین توقیع امام مهدی عجل الله فرجه مدعی مشاهده، کذاب است، حال اگر کسی امام عجل الله فرجه را ببیند ولی به دیگران نگوید، مشمول این روایت قرار نمی‌گیرد، لذا اصل دیدار، امر ممکن خواهد بود، نکته دیگر آنکه بیشتر بزرگان و علمایی که به دیدار حضرت موفق شده بودند، آن را برای مردم بازگو نمی‌کردند، بلکه اطرافیان و خواص آنان - از روی شواهد و قراینی و یا در زمان‌های بعد از حیات فرد - متوجه دیدار آن عالم با امام می‌شدند. لذا علمایی که (دارای درجات معنوی و کمالات نفسانی) هستند، تحت عنوان مدعی مشاهده قرار نمی‌گیرند و این توقیع، باحکایت ملاقات برخی بزرگان مانند علامه بحر العلوم، مقدس اردبیلی، سید بن طاووس منافات ندارد.^۳

۱. طاووس، الطرائف، ج ۲، ص ۳۵۶.

۲. اربلی، کشف الغمّه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۵۳۸.

۳. کارگر، پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویان، مهدویت پس از ظهور، ص ۱۰۰ - ۹۹.

پس هر که ادعای سفارت و نیابت خاصه نماید و یا بر طبق آن، دعوی مشاهده نماید، کذاب و مقتر بر حضرت حجت علیه السلام خواهد بود. مسئله نیابت عامه بر اساس توقیع شریف که فرمود:

«وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةٍ حَدِيثِنَا، فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛ و اما حوادث واقعه، درباره آن مسائل به راویان حدیث ما رجوع کنید که آنان حجّت من بر شما هستند من نیز حجّت خدا بر آنها هستم.»^۱

در روایت دیگری آمده است: «مَجَارِي الْأُمُورِ بِيَدِ الْعُلَمَاءِ بِاللَّهِ الْأَمْنَاءِ عَلَى حَلَالِهِ وَحَرَامِهِ»

«مستفاد از فرمان این دو حجّت پروردگار آنکه: علما و حفظه علوم و اخبار و آثار ایشان که صاحب نظر و اهل استنباطند که از روی معرفت و دانش عارفانند به احکام صادره از ایشان، باید مکلفین رجوع به ایشان نمایند در اخذ مسائل حلال و حرام و قطع منازعات که آن چه ایشان می فرمایند حجّت است از برای عامّه مکلفین با استجماع ایشان مر شرایط فتوا را از قوه استنباط و عدالت و بلوغ و عقل و سایر شرایط اجتهاد. و از برای ایشان است نیابت عامّه که خلق من باب الجاء و اضطرار مکلفانند به رجوع نمودن به ایشان، دیگر تعیین نایب مخصوصی در زمان غیبت کبری نفرمودند، بلکه حکم فرمودند به انقطاع نیابت خاصّه و سفارت».^۲

با توجه به دلایل عقلی و نقلی که امام معصوم علیه السلام در زمان غیبت در همین عالم و در میان مردم زندگی می کند و برای وجود امام علیه السلام در زمان غیبت آثار متعددی در روایت ذکر شده است که یکی از مهم ترین آثار و مسئولیت امام حفظ و دفاع از اسلام و احکام الهی است و امام در زمان غیبت نیز تا سر حد قدرت برای حفظ و اقتدار اسلام و حل و فصل امور اساسی مسلمانان می کوشند و از آنجا که این امر از طریق اسباب و علل عادی صورت می گیرد پس در مواقع ضرورت، امام با فقها و علمای دینی در ارتباط هستند و در صورتی که برای شخصی از دوستان امام اضطرار و مشکلی پیش آید، یا امام مصلحت بدانند با فردی از شیعیان خود ارتباط داشته باشد، مانند حکایت مقدس اردبیلی در ملاقات با حضرت علیه السلام سید محدث جزایری، سید فرموده:

«خبر داد مرا اوثق مشایخ من در علم و عمل که از برای اردبیلی رحمته الله، تلمیذی بود از اهل تفرش که نام او میر علّام بود در مدرسه ای که محیط است به قبه شریفه، پس اتفاق افتاد که من از

۱. قمی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۲۳۸ و این روایت در کتاب تحف العقول عن آل الرسول، ابوالحسن الحیرانی (۱۳۸۹) ص ۹۶۶ نیز آمده است.

۲. قمی، منتهی الآمال، ج ۴، ص ۵۸۹.

مطالعه خود فارغ شدم و بسیاری از شب گذشته بود، پس بیرون آمدم از حجره و نظر می‌کردم در اطراف و آن شب سخت تاریک بود، پس مردی را دیدم که رو به حضرت شریفه کرده می‌آید، پس گفتم شاید این دزد است آمده که بدزد چیزی از قندیل‌ها را. پس از منزل خود به زیر آمدم و رفتم به نزدیکی او و او مرا نمی‌دید، پس رفت به نزدیکی در حرم مطهر و ایستاد پس دیدم قفل را که افتاد و باز شد برای او و درب دوم و سوم به همین ترتیب و مشرف شد بر قبر شریف پس سلام کرد و از جانب قبر مطهر ردّ شد سلام بر او پس شناختم آواز او را که سخن می‌گفت با امام علیه السلام در مسئله علمیه، آن‌گاه بیرون رفت از بلد و متوجه شد به سوی مسجد کوفه پس من از عقب او رفتم و او مرا نمی‌دید. پس چون رسید به محراب مسجدی که امیر المؤمنین علیه السلام در آن محراب شهید شده بود، شنیدم او را که سخن می‌گوید باشخصی دیگر در همان مسئله پس برگشت و من از عقب او برگشتم و او مرا نمی‌دید، پس چون رسید به دروازه ولایت، صبح روشن شده بود، پس خویش را بر او ظاهر کردم و گفتم: «یا مولانا! من بودم با تو از اوّل تا آخر. پس مر آگاه کن که شخص اوّل کی بود که در قبه شریفه با او سخن می‌گفتی و شخص دوم کی بود که با او سخن می‌گفتی در کوفه؟» پس عهدها گرفت از من که خبر ندهم به سر او تا آنکه وفات کند.

پس به من فرمود: «ای فرزند من! مشتبه می‌شود بر من بعضی مسائل پس بیرون می‌روم در شب، نزد قبر امیر المؤمنین علی علیه السلام و در آن مسئله با آن جناب تکلم می‌نمایم و جواب می‌شنوم و در این شی حواله فرمود مرا به سوی صاحب الزمان علیه السلام و فرمود که: فرزندم مهدی علیه السلام امشب در مسجد کوفه است پس برو به نزد او و این مسأله را از او سؤال کن و این شخص مهدی علیه السلام بود.»

یا شخصی به درجه‌ای از کمالات معنوی برسد که به امام علیه السلام خدمت بکند. مانند روایت امام صادق علیه السلام که می‌فرماید: «لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ: إِحْدَاهُمَا طَوِيلَةٌ وَالْأُخْرَى قَصِيرَةٌ. فَلَاوُلَى يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا خَاصَّةً مِنْ شِيعَتِهِ، وَالْأُخْرَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةً مَوَالِيَهُ فِي دِينِهِ؛ بِرَأْيِ قَائِمِ دَوِّ غَيْبَتِ اسْتِ يَكِي كُوتَاهُ وَ دِیْگَرِي طُولَانِي. دَرِ اَوَّلِي تَنهَا خَوَاصِّ شِيعِيَانِ اَز جَايْگَاهِ اَو مَطْلَعِ خَوَاهَنْدِ بُوْد،

در دومی فقط نزدیک‌ترین خواص او که متصدی خدمت او هستند از جایگاهش باخبر خواهند بود.^۱ این روایت دلیل بر امکان ملاقات حضرت عجله الله فرجه در عصر غیبت کبری خواهد بود.

در ارتباط داشتن این افراد با صاحب زمان عجله الله فرجه یا او را می‌شناسند اما سر دل نگه می‌دارند یا با امام زمان عجله الله فرجه در ارتباط هستند اما او را نمی‌شناسند، مانند: «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُثْمَانَ الْعَمْرِيِّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: وَاللَّهِ إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ لَيَحْضُرُ الْمَوْسِمَ كُلَّ سَنَةٍ فَيَرَى النَّاسَ وَيَعْرِفُهُمْ وَيَرُونَهُ وَلَا يَعْرِفُونَهُ» روایت عبدالله جعفر که می‌گوید: از محمد بن عثمان عمری شنیدم که می‌گفت: والله صاحب امر همه ساله در موسم حج حاضر می‌شود و مردم را می‌بیند و می‌شناسد و مردم نیز او را می‌بینند، اما نمی‌شناسند.^۲

امام صادق علیه السلام در حدیثی، شباهت صاحب زمان عجله الله فرجه را مانند حضرت یوسف علیه السلام می‌داند و در این باره می‌فرماید: «صاحب این امر شباهتی از حضرت یوسف دارد، چرا این امت انکار می‌کند که خدای تبارک و تعالی مدت زمانی می‌خواهد حجت خود را پوشیده نگه بدارد؟! حضرت یوسف زامدار مصر بود و میان او و پدرش ۱۸ روز مسافت بود. اگر خدا می‌خواست، می‌توانست جای او را به پدرش بفهماند. به خدا سوگند، هنگامی که حضرت یعقوب و فرزندانش از محل او آگاه شدند، این مسافت را نه روز طی کردند! چرا انکار می‌کنند که حضرت حجت نیز مانند حضرت یوسف باشد که در بازار آنها راه می‌رفت و بر کنار سفره آنها می‌نشست ولی او را نمی‌شناختند. تا وقت آن فرا رسد که خدا اجازه دهد خود را معرفی کند، چنان‌که به حضرت یوسف اذن داد.^۳

در این صورت دیدارها نیز منافاتی با این تویق ندارد.

به نظر نگارنده هدف حضرت مهدی عجله الله فرجه از نوشتن چنین نامه‌ای به آخرین نایبانش این بوده است که جلوی باز شدن دکان‌های مدعیان دروغین رادر زمان غیبت کبری بگیرند، زیرا در طول تاریخ اسلام افرادی برای رسیدن به منافع دنیوی و خواسته‌هایشان ادعای مهدویت و نیابت امام

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۲۴. و در کتاب روزگار‌هایی نیز به این روایت در قسمت غیبت کبری ص ۳۲۲ اشاره شده است.

۲. قمی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۷۰.

۳. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۷.

زمان عجلایه را داشته‌اند^۱ و زمینه شکل‌گیری این مدعیان در عصر غیب امام معصوم عجلایه - به دلیل آگاه بودن شیعیان از غیبت و علاقه نشان دادن دوستداران ائمه با ارتباط داشتن با حضرت - بیشتر می‌شود، به همین دلیل امام برای جلوگیری از سوءاستفاده این شیادان این نامه را در آغاز عصر غیبت کبری نوشتند.

با توجه به این توقیع در غیبت کبری کسی نمی‌تواند ادعای باب بودن حضرت را بکند، زیرا امام مهدی عجلایه به ابوالحسن علی بن محمد سمری امر فرمودند؛ کسی را برای نیابت، جانشین خود قرار ندهد و این جمله حضرت به روشنی، دلالت بر این دارد که راه ارتباط مستقیم بین امام مهدی عجلایه و نواب به صورت خاص که بتوانند پرسش‌های مردم را به حضرت بدهند و پاسخ بگیرند و یا رابط بین امام و مردم باشند از این تاریخ به بعد به پایان رسیده است و از طرفی حضرت در این توقیع، مدعیان مشاهده را کذاب و افترا زنده معرفی می‌کنند و کسانی که ادعای باب بودن را مطرح می‌کنند باید با حضرت در ارتباط باشند و ایشان را ملاقات نمایند که به وسیله این توقیع، این دیدار رد می‌شود. در چگونگی دیدار حضرت بیان کردیم که اگر دیداری صورت بگیرد یا افراد امام را می‌شناسند و راز نگه‌داری می‌کنند، مانند نواب اربعه که در نهایت تقیه و رازداری بودند و یا اصلاً حضرت را نمی‌شناسند. پس هرگونه ادعای بابیت در این دیدارها نیز منتفی می‌شود و با توجه به دو علایم حتمی ظهور؛ قیام سفیانی و صحیه آسمانی که حضرت در این توقیع ذکر فرمودند که هنوز به وقوع نپیوسته می‌توان ادعای مدعیان دروغین که ادعای مهدی بودن را می‌کنند باطل کرد و روایاتی در این زمینه وجود دارد که ظهور هرگونه ادعا مبنی بر امامت و مهدویت را غیر مشروع خوانده و صاحبان این حرکت‌ها را مشرک یا کافر نامیده است.

امام باقر عجلایه صاحب هر پرچمی که قبل از قیام قائم برافراشته شود را طاغوت خوانده است^۲ و این روایات، به حرکت‌های سازنده زمینه ظهور امام مربوط نمی‌شود و به مدعیان امامت و مهدویت اشاره فرموده است.^۳

۱. رک: شیخ طوسی، غیبت، ۱۳۸۶، ص ۶۸۷ تا ۷۲۴ و مهدی موعود، مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۱، از ص ۵۳۶ تا ۵۱۷.

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۱۱۵.

۳. میر تبار، آسیب شناسی جامعه منظر، ص ۱۰۶.

نتیجه

این توقیع از نظر سندی و دلالتی معتبر است و چند احتمال برای چگونگی دیدار امام زمان عجل الله تعالی فرجه له در این توقیع مطرح شده است که در هر یک از احتمالات به گونه‌ای ادعای باییت و مدعیان دروغین رد می‌شود. در احتمال اول مراد از ملاقات امام زمان عجل الله تعالی فرجه له این است که فرد، ادعای نایب خاص بودن را مطرح می‌کند که براساس این توقیع، امام زمان عجل الله تعالی فرجه له به جناب علی بن محمد سمری رحمه الله امر کرد که به احدی وصیت نکند که بعد از او قائم مقام او و نایب خاص باشد که ادعای باییت به این طریق رد می‌شود. و در احتمال دوم، فرد ادعای مشاهده می‌کند و برای ادعای خود شاهد و قرآینی نمی‌آورد و براساس این توقیع، کسانی که قبل از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعای مشاهده کنند کذاب و افترا زننده به حضرت علیه السلام می‌باشند و این‌گونه ادعای مشاهده که زمینه‌ای برای باییت است منتفی می‌شود.

چند احتمال دیگر برای امکان ملاقات و مشاهده حضرت وجود دارد که با توقیع منافاتی ندارد و زمینه‌ای برای دگان‌های مدعیان دروغین فراهم نمی‌آورد؛ اول اینکه با دلایل عقلی و نقلی، امکان ملاقات حضرت وجود دارد، زیرا حضرت در میان مردم زندگی می‌کنند و به واسطه ایشان اسلام و احکام اسلام حفظ می‌شود و در بعضی شرایط با علما و فقها ارتباط دارند تا در موقع ضرورت مشکل آنها راحل نمایند. دوم اینکه این دیدارها به دو صورت است، یا حضرت را می‌شناسند و سرنگه می‌دارند؛ و یا حضرت را نمی‌شناسند و در هر دو صورت ادعای ملاقات با حضرت عجل الله تعالی فرجه له مطرح نمی‌شود تا زمینه‌ای برای ادعای باییت فراهم آید.

منابع

۱. اربلی، علی بن عیسی، **کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة**، مکتبه بنی هاشمی، ۲ جلدی، تبریز: ۱۳۸۱ق.
۲. بهاء‌الدین نیلی، علی بن عبدالکریم، **منتخب الأنوار المضية فی ذکر القائم الحجة** علیه السلام، خیام، قم: ۱۳۶۰ش.
۳. جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت، **آفتاب مهر (پرسش و پاسخ‌های مهدوی)**، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، چاپ یازدهم، قم: ۱۳۸۸ش.
۴. سلیمان، کامل، **روزگار رهایی**، مترجم علی اکبرپور، آفاق، ۲ جلدی، چاپ چهارم، تهران: ۱۳۸۱ش.
۵. سلیمیان، خدامراد، **درنامه مهدویت حضرت مهدی** علیه السلام و دوران غیبت، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۴ جلدی، چاپ سوم، قم: ۱۳۸۹ش.
۶. صدر، سید صدر الدین، **المهدی**، سید محمد باقر خسروشاهی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، قم: ۱۴۲۱ق.
۷. طبرسی، ابی منصور احمد بن علی بن ابی طالب، **الاحتجاج**، نشر مرتضی، ۲ جلدی، چاپ اول، مشهد: ۱۴۰۳ق.
۸. طوسی، محمد بن حسن، **الغیبه**، شیخ عبدالله الطهرانی و الشیخ علی أحمد ناصح، مؤسسه المعارف الإسلامیه، چاپ اول، قم: ۱۴۱۱ق.
۹. طاووس حلّی، ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر مشهور به سید بن طاووس، **الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف**، ترجمه داود الهامی، خیام، ۲ جلدی، چاپ اول، قم: ۱۴۰۰ق.
۱۰. قمی، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه «معروف به صدوق»، **کمال الدین وتمام النعمه**، مترجم منصور پهلوان، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۲ جلدی، چاپ چهارم، قم: ۱۳۸۶ش.
۱۱. قمی، محمد بن علی بن حسین بن بابویه «معروف به صدوق»، **کمال الدین وتمام النعمه**، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ش.
۱۲. قطب‌الدین، سعید بن عبدالله معروف به راوندی، **الخرائج والجرائح**، ناشر مؤسسه امام مهدی علیه السلام، ۳ جلدی، چاپ اول، قم: ۱۴۰۹ق.
۱۳. قمی، عباس، **منتهی الأمال**، اشارات جلوه کمال، ۴ جلدی، چاپ اول، قم: ۱۳۹۰ش.
۱۴. کارگر، رحیم، **پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویان، مهدویت پس از ظهور**، دفتر نشر معارف، چاپ یازدهم، قم: ۱۳۸۷ش.

۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، تهران: ۱۳۶۵ش.
۱۶. مرتضی، علی بن الحسین، تنزیه الانبیاء، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، دارالأضواء، بیروت: ۱۹۸۹م، ۱۴۰۹ق.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، کتاب فروشی اسلامیة، چاپ اول، تهران: ۱۳۵۳ش.
۱۸. میرتبار، سید محمد، **آسیب شناسی جامعه منتظر**، چاپ چهارم، قم: ۱۳۹۰ش.
۱۹. موسوی خمینی، سید روح الله، **أنوار الهدایة فی التعلیقہ علی الکفایة**، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، تهران: ۱۳۷۳ش.
۲۰. نوری طبرسی، میرزا حسین، **نجم التاقب در احوال امام غایب علیه السلام**، مسجد جمکران، ۲ جلدی، قم: ۱۳۸۴ش.
۲۱. نعمانی، محمد ابراهیم، **الغیبه**، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۶۲ش.

مقاله

۱. طبسی، نجم الدین، «سفارت و نیابت خاصه»، **فصلنامه انتظار موعود**، شماره ۱۸، تاریخ نشر: ۱۳۸۵ش.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی